

اخوان ثالث و رجعت رمانتیک

ملاحظات پیرامون مبانی نظری باستان‌گرایی مهدی اخوان ثالث

جعفر فسایی*

سمیه رضایی**

رسول محمدی***

چکیده

اخوان ثالث به زعم بسیاری از پژوهشگران، از مومنین به سنت در عصر جدید به شمار می‌آید؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد که این نظریه که عموماً بر اساس قراین متنی برآمده از روی ساخت شعر اخوان صورتبندی شده است، در پژوهش‌های معاصر به صورت یک کلان روایت پذیرفته شده درآمده است؛ اینک پرسش مهم و کلیدی اینجاست که آیا گرایش به سنت که از آن تحت عنوانی از قبیل باستان‌گرایی یا ایران‌گرایی یاد می‌شود، در معنای اصیل و مصطلح خود یعنی یک نوع گفتمان پویا ناظر بر بازآفرینی نظم جدید در ساحت‌ها و ابعاد مختلف جامعه، در منظومه فکری و متعاقباً در ژرف ساخت شعر اخوان نیز حضور و جریان دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا ایران‌گرایی مهدی اخوان ثالث، با رسالت‌ها و آرمان‌های معین ایران‌گرایی در نهضت مشروطه و در بافت گفتمانی و فضای سیاسی ایران پسامشروطه همسو است یا خیر؟ به منظور دستیابی به پاسخ این پرسش، اشعار اخوان ثالث مورد مطالعه و تحلیل محتوایی فراتر از محور افقی شعر قرار گرفته است؛ نتایج حاصل از دریافت و تشریح این آثار نشان می‌دهد که اخوان ثالث اگرچه به صورت گسترده به گفتمان ایران باستان و مشخصاً اسطوره‌ها و نمادهای آن ارجاع داده است-در سطح روی ساخت شعر-، اما سویه فلسفی و نظری این گفتمان را در دستگاه فکری خود ترجمه و منتقل نساخته است؛ از این چشم‌انداز، شعر اخوان با مولفه‌های بنیادین مندرج در گفتمان ایران باستان از قبیل امیدواری، پیروزی نور بر تاریکی، حضور امر قدسی در مناسبات اجتماعی و زیست فردی، فرجام شناسی و غلبه خیر بر شر، در فاصله کاملاً معناداری قرار دارد. درست به همین دلیل، سنت‌گرایی اخوان، به مثابه رجعتی صرفاً رمانتیک، علیه اصالت و رسالت خویش-یعنی خلق پراکتیس و عاملیت- شورش کرده است.

کلمات کلیدی: مهدی اخوان ثالث، ایران باستان، باستان‌گرایی، عاملیت، ثنویت.

* دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، jfasaei@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)

** استادیار گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، s.rezaee@cfu.ac.ir

*** دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، rasoulmohammadi80@yahoo.com

۱. مقدمه

در حوزه علوم انسانی، مسائل همانند پازل‌هایی هستند که در کنار یکدیگر می‌نشینند و به‌طور کلی این مسائل را باید در چارچوب یک منطق پازل‌گونه، یکپارچه و کلی فهم کرد. از همین چشم‌انداز، سخن از سنت و سنت‌گرایی در فرهنگ ایرانی، مستلزم شناخت و توجه به یک سلسله عوامل داخلی و بین‌المللی است. قطعاً جریانی که در غرب از قرن پانزدهم شکل گرفت-که آن نیز خود حاصل جمع یک سلسله عوامل پیچیده بود- و در ساحت نظر و عمل مناسبات انسان را با هستی، با خداوند/امر قدسی، با دیگری و با خود تغییر داد، در تمامی یاخته‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جوامع پیرامونی از جمله ایران تاثیرگذار بوده است. آنچه شفيعی‌کدکنی تحت عنوان ساختار ساختارها مطرح کرده است، در سطوح کلان و در ابعاد جهانی شاید بتواند این موارد را به خوبی توضیح دهد.

چنانچه باستان‌گرایی و توجه به سنت را نوعی تلاش برای تداوم بخشی و بازیابی المان‌ها، نمادها و مولفه‌های دوران باستان، در دوران معاصر بدانیم، می‌توان از جریانی سخن گفت که تحت یک سلسله شرایط و عوامل در مقطعی از تاریخ ایران آغاز شد و تحت تاثیر نیروهای بیرونی رشد کرد و در نهایت منشا آثار متعددی در صحنه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی شد. شرایطی از قبیل سقوط سلسله مقتدر صفویان و سپس روی کار آمدن حکومت‌های شکننده ایللیاتی و محلی و در پی آن ظهور حاکمیت قاجار از دل هرج و مرج ناشی از، از هم گسیختگی جامعه ایران، زمانی که با تمدن غرب برخورد می‌کرد، مفاهیم جدیدی همانند خودانتقادی، عقب‌افتادگی، انحطاط، پیشرفت، سنت‌گرایی و... از دل آن بیرون می‌آمد و گفتمان جدیدی را صورتبندی می‌کرد که صبغه و سابقه تاریخی چندانی نداشته است. از این چشم‌انداز، نیم‌نگاهی به تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد توجه به باستان و سنت‌های گذشته از آغاز مطرح شدن، یکی از راهبردهای اصلی نیروهای روشنفکر ایرانی برای برون رفت از وضعیت عقب‌ماندگی و شرایط پیچیده انحطاط بوده است. در ایران به یک اعتبار باستان‌گرایی از دوره سرشار از تناقض و پیچیدگی مشروطه آغاز می‌شود؛ از حسین‌قلی‌آقا و آخوندزاده سکولار و آقاخان کرمانی، تا تقی‌زاده و دیگران، هریک در خصوص باستان‌گرایی به مثابه و منزله راه برون رفت از وضعیت عقب‌ماندگی اجماع داشته‌اند؛ شدت این گرایش در این دوره، به نحوی بوده است که در میان نیروهای چپ که در ابعاد جهانی می‌اندیشیدند نیز باعث ایجاد نوعی تناقض شده است (نک. آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۴۳).

قطعاً باستان‌گرایی در یک شکل و صورت واحد ظهور و بروز نداشته است و در این میان می‌توان چنین استدلال کرد که بخش کثیری از نیروهای روشنفکر در مورد مسئله باستان‌گرایی و ظرفیت‌های

عظیم مندرج در آن، اشتراک نظر و عقیده داشته‌اند و اختلاف آن‌ها تنها در نحوه مواجهه با سنت بوده‌است (نک. کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۲۵). این مسئله بدین معناست که سنت روشنگری و روشنفکری ایرانی، همواره در برابر تاریخ و سنت، موضعی منفعل و خنثی نداشته است بلکه در مواجهه‌ای فعالانه، آن را در ظرف مناسبات ایدئولوژیک خود به کار گرفته است. مهدی اخوان ثالث به‌عنوان یکی از قله‌های بلند شعر معاصر فارسی و عنصری برجسته از بدنه روشنفکری ایرانی، در امتداد چنین سنتی قرار دارد. بر این اساس، نوشتار پیش‌رو به دنبال اثبات تأثیرپذیری مهدی اخوان ثالث از سنت‌های پیشین نیست و این مسئله در تحقیقات جداگانه و به صورت دقیق و علمی و به تواتر بیان شده‌است. مسئله اصلی و منظور نظر نویسندگان این سطور، نشان دادن نکته بسیار مهم دیگری است که از دیدرس تحقیقات انجام شده پنهان مانده و آن نحوه مواجهه و کیفیت چنین برخوردی است؛ بدین ترتیب سعی بر آن خواهد بود که با واکاوی و تحلیل دقیق شعر و اندیشه اخوان، سویه‌هایی از این مسئله مهم روشن گردد تا در تحلیل نهایی، نظریه‌های رایج و قالبی در خصوص یکی از مهمترین شخصیت‌های ادبیات معاصر ایران تصحیح شود. گفتنی است در این مقاله مفهوم رجعت رمانتیک در نسبت با انتقال/ عدم انتقال مبانی نظری و فلسفی ایران باستان در شعر و اندیشه مهدی اخوان ثالث تبیین شده است و مسئله اصلی مقاله در پرتو این برداشت از سنت‌گرایی صورت‌بندی شده است. در حقیقت این مسئله مقدمه‌ای مقدر ناظر بر وجود سویه‌ها و ابعاد مختلف باستان‌گرایی دارد.

۱.۲. روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف یک پژوهش بنیادی است که با رویکرد کیفی انجام شده است. در این پژوهش سعی بر آن بوده است که از سطح روی ساخت شعر عبور کرده و به لایه‌های عمیق‌تری از متن برسیم. آثاری که مورد بررسی قرار گرفته است، شامل بخش‌هایی از نخستین دفتر شعر اخوان یعنی «ارغنون» تا دفتر «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» می‌شود و در این میان بیشتر تکیه و تأکید بر شعرهای نو اخوان بوده است. این تحقیق به لحاظ گردآوری اطلاعات یک پژوهش نظری است و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شده است. همچنین در مقاله حاضر منظور از مبانی نظری ایران باستان، نوعی از تفکر است که پیدایش، استمرار و در نهایت فرجام هستی را به نحوی خاص توضیح می‌دهد؛